



پتال باغ

عکسها و اسناد تاریخی

- نخستین مهمانخانه و رستوران در تبریز / یحیی ذکاء
- طراحی چاپ نشده‌ایی از ملک‌الشعرای بهار
- خطی به یادگار از ناصرالدین شاه برای مادام توسو

نخستین مهمانخانه و رستوران و قرائت خانه به سبک جدید در تبریز و مؤسس آن‌ها



یحیی ذکاء

تبریز از دیرباز به علت قرار گرفتن بر سر راه ابریشم و پایتخت بودن و مرکزیت تجاری و داشتن اهمیت سوق الجیشی، همواره از شرق و غرب جهان، کاروانها و مسافران فراوانی در آن وارد و خارج می‌شدند، از این رو این شهر از قدیم الایام، احتیاج مبرم به داشتن کاروانسراها و مسافرخانه‌ها و انبارهای بزرگ کالا داشت که کاروانیان و کالاهای آنان را در خود جا دهد. این کاروانسراها و لنگرها و مسافرخانه‌ها و خانقاه‌ها که اغلب مسافران در آنها اتراق می‌کردند، در جنب دروازه‌های شهر بنا می‌شدند که مسافرها و این سبیل‌ها مجبور نباشند برای توقف در شهر، راه درازی به پیمایند و به درون شهر درآیند و بدین جهت در جوار آنها نیز حمام‌ها و مسجدها و بازارچه‌هایی پدید می‌آمد که احتیاجات کاروانیان را از هر حیث برمی‌آورد. بنابراین اگر واردان به شهر، آشنایی و دوستی در شهر نداشتند که چند شبی را در منزل او بیتوته کنند، از این مکانهای عمومی برای سکونت استفاده می‌کردند.

در وقفنامه‌ها اغلب، مطالبی نیز در این زمینه به چشم می‌خورد که واقف جاهایی را برای استراحت مسافران تعیین کرده و شرایطی برای پذیرایی از آنها و مدت زمانی که می‌توانستند در آنجاها توقف نمایند، قرار داده است. چنان که در وقفنامه رشیدی در بحث راجع به «دارالضیافه» این شرایط مشروحاً یاد شده است.

در دوست سال اخیر که مسافرت اروپائیان به ایران فزونی یافته و رو به ازدیاد نهاده است،

اغلب جهانگردان از اقامتگاه سفیران و کنسولها یا دوستان و هموطنان خود که در تبریز سکونت داشتند، استفاده می‌کردند و بجز کاروانسرا، مهمانخانه‌یی برای پذیرایی از آنها در شهر وجود نداشت.

نخستین مهمانخانه به سبک جدید در شهر تبریز در سال ۱۳۲۱ ه.ق. توسط میرزا اسحق خان معززالدوله فرزند حاجی میرزامهدی کلانتر و بیگلریگی تبریز و برادر میرزا ابراهیم خان شرف‌الدوله، نماینده دوره اول مجلس شورای ملی در مشروطه، در تبریز ایجاد شده است. این خاندان از سرشناسان و آزادیخواهان تبریز بودند و در کوی «باغمیشه» در بیرون از قلعه شهر زندگی می‌کردند.

حاجی کلانتر در نزدیکی بازارچه و دروازه باغمیشه در بیرون از قلعه، چسبیده به سربازخانه و میدان مشق قدیم در سر کوچه میرزا نصرالله، که اکنون عمارت دانشسرای مقدماتی و کتابخانه تربیت بر روی زمین آن بنا شده است، کاروانسرای بزرگی داشت که به کاروانسرای کلانتر معروف بود. این کاروانسرا از راه توارث به میرزا اسحق خان کدخدای باغمیشه تعلق گرفته بود که او آنجا را خراب کرده، ساختمانی با اطاق‌های متعدد و آشپزخانه و سالن غذاخوری و رستوران پدید آورد و نام آن را «مهمانخانه نظافت» نهاد، و در جوار آن، قرائتخانه‌یی نیز بنیاد نهاد که آن نیز نخستین قرائتخانه در تبریز شمرده می‌شود.

در اعلانی که در بیست و پنجم شعبان ۱۳۲۱ ه.ق. درباره افتتاح این مهمانخانه به خط نستعلیق و چاپ سنگی انتشار یافته و تصویر آن در اینجا نقل شده است، مطالبی درباره محل و پذیرایی و دادن غذا به بیرون درج گردیده است که در آن زمان به کلی تازگی داشته است. درباره این مهمانخانه و قرائتخانه، مرحوم تقی‌زاده در «تهیه مقدمات مشروطه در آذربایجان» می‌نویسد: «برادران کلانتری باغمیشه، مخصوصاً برادر کوچکتر معززالدوله در ترقی طلبی مرکز بودند، این شخص قرائتخانه‌یی در نزدیکی «قاری کورپسی» (نام قدیم آن پل پیرک بوده است) تأسیس نمود و مهمانخانه‌یی بنا کرد که بسیار مفید بود». تقی‌زاده در جای دیگر با تعجب متذکر شده است که مهمانخانه «زنگ اخبار» نیز داشت.

این قرائتخانه در اوایل مشروطه، سه بار از طرف مستبدان و قشربون مورد هجوم قرار گرفته، به غارت رفته و از سر نو دایر گردیده است.

در مقاله‌یی از خانم نوشین انصاری (محقق) درباره «کتابخانه‌های ایران از تأسیس دارالفنون تا انقلاب مشروطیت» از این قرائتخانه نام رفته است.



مرحوم میرزا اسحق خان معزالدوله کلانتری با فرزندش (دکتر) موسی خان و عباسقلی آقا.

مهمانخانه نظافت نیک میدان مشق

اولاً مقصود از تأسیس این مهمانخانه تفریح عمومی برای آنکه وقتی کسی بکلیت بیایا رانده یا یک شام ماند و مهمان ناخوانده وارد میشود و خانه هم خوراک بقدر کفایت دست نمیشود لهذا معلوم است که برای مهمانخانه دلیگیری خواهد شد در این حالت میتوان فوراً از مهمانخانه شام و نمانا بخوابد

دوّم - آنکه کسی میخواهد فیزی دوستی را همان کند خایه بیرونی ندارد برسی پذیرا همان در این حالت میتواند مجالش را بهمانخانه دعوت نماید

سیم - آنکه کسی از آقایان محترمین مسافرتا بشهر تشریف آید یا باید در کار و هنر منزل نماید یا که خانه را بگذرد و با هم با نمانا بخوردشان بایز یا اینکه در آنجا بگذرد و در دو حالت اسباب اذیت و مخارج زیاد است اما حال آنکه در هر دو شهر مهمانخانه تشریف آورد و هر قدر اطاق لازم داشته باشد مغزوش منیا یا تمام خواهد شد دید نمانا شام و چای و تسلیان همه چیز در منزلش منیا خواهد شد

چهارم - آنکه آقایان تجار و اصناف هر قدر خوراک بجزه شان بخواهند داده خواهد شد و منستند که با آنها قرار گذاشته هر روز نمانا معین اودم مهمانخانه بجزه شان در وقت نمانا خواهد آورد و با ایشان بقراردستی و انمی رفتار خواهد شد

پنجم - آنکه اگر کسی از آقایان منیا قرار گذاشته هر چند مجموعه هر جزه غذا که خودشان منین نمایند در شام نمانا بجزه شان در وقت معین فرستاده خواهد شد و وقت تمام در همه مصالح شام و نمانا خواهد شد ششم - آنکه اگر کسی جهانی داشته باشد یکروز و دو روز از پیش خبر بدهند هر چند مجموعه نمانا و شام بخواهند در کرده داد و فرستاده خواهد شد

هفتم - آنکه کسی در این مهمانخانه مواظب نظافت و تمیزی ظروف و اسباب خواهد شد که با هموم ظروف و اسباب پاک و تمیز بشود

هشتم - هر جزه خوراک ایرانی و فرنگی موجود خواهد شد بموجب اعلان علیحدّه هر روز هلالان خواهد نهم - در نمانا و مبارک مصفا نین فطار و سحور در مهمانخانه حاضر است هر کس منستند باشد تشریف بیاورد